

واسطه تابش آفتاب خشک شود، اما اگر به کمک باد یا وسیله حرارتی دیگری خشک شود کافی نیست، مگر اینکه بسیار کم باشد که بگویند با آفتاب خشک شده است.

مسئله ۲۰۹ - تابش آفتاب، حصیر نجس و درخت و گیاه را بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌کند.

مسئله ۲۱۰ - هرگاه شک کند که زمین نجس با آفتاب خشک شده یا نه یا چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه و یا قبلاً نجاست را بر طرف کرده است یا نه، آن زمین نجس است.

مسئله ۲۱۱ - اگر آفتاب به قسمتی از زمین نجس بتابد و آن را خشک کند فقط همان قسمت پاک می‌شود.

#### ۴ - استحاله

مسئله ۲۱۲ - هرگاه عین نجس چنان تغییر یابد که آن نام از آن برداشته و نام دیگری به آن داده شود، پاک می‌گردد و می‌گویند «استحاله» شده است، مثل اینکه سنگ در نمک‌زار فرو رود و مبدل به نمک شود. همچنین اگر چیزی که نجس شده است به کلی تغییر یابد، مثل اینکه چوب نجس را بسوزانند و خاکستر کنند، یا آب نجس تبدیل به بخار شود، اما اگر تنها صنعت آن تغییری کند مثل اینکه گندم نجس را آزاد کنند، پاک نمی‌شود.

مسئله ۲۱۳ - زغالی که از چوب نجس درست شده، نجس است، و همچنین کوزه یا آجری را که از گل نجس ساخته‌اند.

مسئله ۲۱۴ - اگر شک کنیم چیز نجسی استحاله شده یا نه، نجس است.

#### ۵ - انقلاب

مسئله ۲۱۵ - هرگاه شراب به خودی خود یا به واسطه ریختن چیزی در آن مبدل به سرکه گردد، پاک می‌شود و آن را «انقلاب» گویند.

مسئله ۲۱۶ - شرابی که از انگور نجس درست کنند با سرکه شدن پاک نمی‌شود، حتی اگر نجاستی از خارج به شراب بریزد. واجب است بعد از سرکه شدن از آن اجتناب کرد، همچنین سرکه‌ای که از انگور و کشمش و خرماهای نجس می‌گیرند نجس است.

مسئله ۲۱۷ - اگر انگور را با چوبهایش در سرکه بریزند معمولاً قبل از سرکه شدن شراب

می شود بعد از آن مبدل به سرکه می گردد پاک است، اما اگر خیار و بادنجان و مانند آنها در آن بریزند احتیاط واجب، اجتناب است.

مسألة ۲۱۸ - کشمش و خرمایی که در غذا می ریزند خوردنش حلال است، هر چند جوشیده باشد.

## ۶ - ثلثان شدن

مسألة ۲۱۹ - هرگاه آب انگور با آتش بجوشد نجس نیست، ولی خوردنش حرام است، اما اگر آن قدر بجوشد که دو قسمت آن بخار شود و یک قسمت بماند، حلال می شود و اگر خود به خود به جوش آید و مست کننده شود حرام و نجس است و تنها با سرکه شدن پاک و حلال می شود.

مسألة ۲۲۰ - اگر در میان خوشه های غوره، دانه هایی از انگور باشد و آب همه آن را بگیرند چنانچه به آن آبغوره گویند با جوشیدن نجس یا حرام نمی شود.

مسألة ۲۲۱ - چیزی که معلوم نیست غوره است، یا انگور اگر با آتش بجوشد، حرام نمی شود.

مسألة ۲۲۲ - شیره ای که از بازار می گیرند و می دانند فروشنده از این مسائل با خبر است، پاک و حلال است و تفحص لازم نیست.

## ۷ - انتقال

مسألة ۲۲۳ - اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد منتقل گردد و خون آن حیوان حساب شود پاک است و آن را «انتقال» گویند، بنابراین خون پشه که جزء بدن اوست پاک است، هر چند در اصل آن را از انسان گرفته، ولی خونی که زالو از انسان می مکد پاک نیست، چون جزء بدن او محسوب نمی شود.

مسألة ۲۲۴ - هرگاه خونی از پشه بیرون آید و نداند خونی است که تازه از او مکیده، یا از خود پشه است پاک است، ولی اگر بداند هنوز خون جزء بدن پشه نشده نجس می باشد.

## ۸ - اسلام آوردن

مسألة ۲۲۵ - در بحث نجاسات گفتیم احتیاط واجب آن است که از کافر اجتناب شود حال اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» مسلمان می شود و بدن او پاک می گردد ولی اگر عین نجاست در بدن او باشد باید آن را برطرف کرده و جای آن را آب بکشد، ولی اگر قبل از اسلام آوردن عین نجاست برطرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد.

مسألة ۲۲۶ - لباسی که بر تن کافر است وقتی اسلام آورد پاک نمی شود بنا بر احتیاط واجب.

مسألة ۲۲۷ - هرگاه کافر شهادتین نگوید، ولی قلباً به معنی آن ایمان داشته باشد مسلمان است، اما اگر بر زبان جاری کند و یقین باشد که قلباً به آن ایمان ندارد احتیاط واجب آن است که از او اجتناب شود.

## ۹ - تبعیت

مسألة ۲۲۸ - تبعیت آن است که چیزی به تبع چیز دیگری پاک شود که شرح آن در مسائل آینده خواهد آمد.

مسألة ۲۲۹ - هرگاه شراب، سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب یا انگور موقع جوش آمدن به آن رسیده پاک می شود، کهنه و چیزی که روی آن می گذارند اگر معمولاً به آن رطوبت نجس شود آن هم پاک می گردد، اما اگر موقع جوشش سربرود و پشت ظرف به آن آلوده شود بعد از سرکه شدن پشت ظرف پاک نمی شود.

مسألة ۲۳۰ - فرزندان نابالغ کفار بعد از ایمان آوردن پدران آنها پاک می شوند.

مسألة ۲۳۱ - سنگی که میت را روی آن غسل می دهند و پارچه ای که عورت میت را با آن می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد، بعد از تمام شدن غسل پاک می شود.

مسألة ۲۳۲ - هرگاه لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آب از آن خارج شود، آبی که در آن باقی می ماند، پاک است.

مسألة ۲۳۳ - هرگاه ظرف نجس را با آب قلیل آب کشند قطره هایی که آخر کار در آن می ماند، پاک است.

## ۱۰ - برطرف شدن عین نجاست

مسألة ۲۳۴ - هرگاه بدن حیوان، نجس شود همین که عین نجاست برطرف شود، بدن حیوان پاک می‌گردد، مثلاً اگر متغیر پرده‌ده خون آلود باشد یا حیوانی روی چیزهای آلوده بنشیند، همین که خون و آلودگی برطرف شد، بدن حیوان پاک است.

مسألة ۲۳۵ - باطن بدن انسان (مانند داخل دهان و بینی) اگر نجس شود همین که نجاست از بین برود پاک می‌شود، مثلاً اگر از لثه‌ها خون بیرون آید و در آب دهان از بین برود یا خون را بیرون بریزد آب کشیدن داخل دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان باشد، احتیاط واجب آن است که آن را آب بکشد.

مسألة ۲۳۶ - هرگاه غذا در دهان یا لای دندانها باقی مانده باشد و داخل دهان خون بیاید چنانچه انسان نداند خون به غذا سرایت کرده، آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد، نجس می‌شود و خوردن آن غذا حرام است.

مسألة ۲۳۷ - جایی که از لب و مانند آن که انسان نداند جزء ظاهر بدن است یا باطن، اگر نجس شود باید آن را آب بکشد.

مسألة ۲۳۸ - هرگاه گرد و غبار نجس روی بدن یا لباس و فرش و مانند آن بنشیند و هر دو خشک باشد نجس نمی‌شود و کافی است آن را تکان دهند، همچنین اگر رطوبت غیر مسری داشته باشد، اما اگر یکی از آنها تر باشد نجس می‌شود و اگر در نجاست گرد و غبار یا رطوبت محل شک داشته باشد، آن هم پاک است.

## ۱۱ - استبراء حیوان نجاستخوار

مسألة ۲۳۹ - هرگاه حیوانی به خوردن مدفوع انسان عادت کند بول و مدفوع آن نجس است و گوشت آن نیز حرام است و اگر بخواهند پاک شود، باید حیوان را غذای پاک بدهند تا نام حیوان نجاستخوار از آن برداشته شود و باید در شتر چهل روز و در گاو سی روز بگذرد و در گوسفند ده روز و در مرغابی پنج روز و در مرغ خانگی سه روز بگذرد و در حیوانات دیگر همین اندازه که نام نجاستخوار از آن برداشته شود کافی است.

مسألة ۲۴۰ - گاهی در مرغدارها بود در خون یا غذای آنها مخلوط می‌کنند به طوری که گوشت مرغ به واسطه آن می‌رود، گوشت و تخم آن مرغ حرام نیست و رطوبتهای مرغ

نجس نمی شود، ولی بهتر آن است که از چنین مرغ و تخم آن پرهیز شود.  
**مسألة ۲۴۱ -** هرگاه حیوان سایر نجاستها را غیر از مدفوع انسان بخورد باعث نجاست بول و مدفوع او نمی شود، گوشت او هم حرام نیست، مگر حیوانی که از شیر خوک تغذیه کرده و بوسیله آن رشد و نمو کرده باشد که گوشتش حرام است.

## ۱۲ - غایب شدن مسلمان

**مسألة ۲۴۲ -** هرگاه بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست نجس شود و او هم بفهمد که نجس شده، سپس آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال دهد که آن را آب کشیده، پاک است، به شرط اینکه از چیزهایی باشد که طهارت در آن شرط است، مانند لباسی که با آن نماز می خواند و با غذا و ظروف غذا.

**مسألة ۲۴۳ -** هرگاه دو نفر عادل، یا یک نفر، از پاک شدن چیز نجسی خبر دهند شهادت آنها قبول است، همچنین اگر ذوالبند یعنی کسی که چیزی را در اختیار دارد بگوید پاک شده است، یا بدانیم مسلمانی آن را آب کشیده، ولی نمی دانیم درست آب کشیده یا نه، پاک است.

**مسألة ۲۴۴ -** هرگاه انسانی لباسش را به لباسنویی مسلمان دهد که آن را بشوید و آب کشد قول او قبول است.

**مسألة ۲۴۵ -** کسانی که گرفتار حالت وسوسه می شوند و زود یقین به نجس بودن چیزی پیدا می کنند و یا به هنگام آب کشیدن چیز نجس به آسانی یقین به پاکی پیدا نمی کنند، یقین آنها اعتبار ندارد و می توانند همان طور که دیگران یقین پیدا می کنند قناعت کنند.

## احکام ظرفها

**مسألة ۲۴۶ -** ظرفها و مشکهایی که از پوست مردار، یا حیوان نجس العین مثل سنگ و خوک درست شده، استعمال آنها برای خوردن یا آشامیدن یا آب وضو و غسل و مانند آن جایز نیست، اما برای کارهایی که طهارت در آن شرط نیست (مانند آبیاری زراعت و آب دادن به حیوانات) مانعی ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که به هیچ وجه از آنها استفاده نشود.

مسألة ۲۴۷ - خوردن و نوشیدن از ظرف «طلا» و «نقره» و استعمال آنها حرام است، بلکه استفاده از آنها برای زینت اتاق و یا هر منظور دیگر نیز جایز نیست (بنابر احتیاط واجب).  
 مسألة ۲۴۸ - از ساختن ظروف طلا و نقره و مزدی که در مقابل آن می‌گیرند بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کرد، همچنین از خرید و فروش آنها و پولی که در مقابل آن گرفته می‌شود نیز اشکال دارد.

مسألة ۲۴۹ - آنچه را ظرف نمی‌گویند مانند گیره استکان و بادگیر قلبیان و غلاف شمشیر و امثال اینها، اگر از طلا و نقره باشد اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط واجب از عطردان و سرمه‌دان و مثل آنها باید اجتناب کرد.

مسألة ۲۵۰ - ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند اشکال ندارد.  
 مسألة ۲۵۱ - هرگاه فلز دیگری را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند چنانچه به آن ظرف طلا یا نقره نگویند، استعمال آن مانعی ندارد ولی اگر فقط طلا و نقره با هم مخلوط کنند حرام است.

مسألة ۲۵۲ - هرگاه غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به منظور پرهیز از حرام در ظرف دیگری بریزند این استعمال جایز است، ولی اگر به این منظور نباشد حرام است، اما به هر حال خوردن آن غذا از ظرف دوم که طلا و نقره نیست، اشکال ندارد.

مسألة ۲۵۳ - استفاده از ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری جایز است و برای وضو و غسل نیز در حال تقیه مانعی ندارد.

مسألة ۲۵۴ - هرگاه شکی کند ظرفی از طلا یا نقره است یا جنس دیگر، استفاده از آن اشکال ندارد، تفحص و جستجو نیز لازم نیست.

مسألة ۲۵۵ - آنچه را طلای سفید می‌گویند نیز در حکم طلای سرخ و زرد است، بنابر احتیاط واجب، اگر به آن «طلا» گفته شود.

## مسائل وضو و غسل

### طریقه وضو گرفتن

مسألة ۲۵۶ - وضو عبارت است از شستن صورت و دستها و مسح جلو سر و روی پاها، به شرحی که در مسائل آینده خواهد آمد.

مسألة ۲۵۷ - صورت را از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر می‌روید تا آخر چانه و از نظر پنجا به مقداری که میان انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شست و اگر مختصری از این مقدار شسته نشود وضو باطل است، لذا برای اینکه یقین پیدا کند تمام این مقدار شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

مسألة ۲۵۸ - هرگاه انگشتانش بیش از حد معمول بزرگ یا کوچک باشد اعتباری به آن نیست، بلکه باید ببیند افراد معمولی چه اندازه از صورت خود را می‌شویند، او هم همان مقدار را بشوید، همچنین کسی که رستنگاه موی او بسیار بالا یا بسیار پایین است مطابق افراد معمولی صورت خود را می‌شوید.

مسألة ۲۵۹ - صورت و دستها را باید آن چنان شست که آب به پوست بدن برسد و اگر موانعی وجود دارد باید برطرف کند، حتی اگر احتمال مانع می‌دهد باید واریسی نماید.

مسألة ۲۶۰ - کسانی که محاسن دارند، چنانچه پوست صورت از لای موها پیدا باشد باید آب را به پوست برسانند و اگر پیدا نباشد شستن روی مو کافی است و رسانیدن آب به زیر آن لازم نیست.

مسألة ۲۶۱ - هرگاه شک کند که موی صورت به اندازه‌ای است که پوست از لای آن پیدا است یا نه، بنا بر احتیاط واجب هر دو را بشوید.

مسألة ۲۶۲ - شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست.

مسألة ۲۶۳ - بعد از شستن صورت باید دست راست را از آرنج تا سر انگشتها بشوید و بعد از آن دست چپ را به همین ترتیب.

مسألة ۲۶۴ - باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.

مسألة ۲۶۵ - اگر دست را ترکند و به صورت و دستها بکشند چنانچه تری دست به قدری باشد که به آن شستن گفته شود کافی است.

مسألة ۲۶۶ - برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسألة ۲۶۷ - معمولاً پیش از شستن صورت، دستها را تا مچ می شویند. ولی این برای وضو کافی نیست، باید بعد از شستن صورت در موقعی که دست راست و چپ را می شوید تمام دست را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضو باطل است.

مسألة ۲۶۸ - برای وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب است و احتیاط واجب، ترک مرتبه دوم است و اما سوم و بیشتر حرام است. منظور از مرتبه اول آن است که تمام عضو را بشوید خواه با یک مشت آب باشد یا چندین مشت، وقتی که تمام شد یک مرتبه حساب می شود.

مسألة ۲۶۹ - بعد از شستن دستها باید جلو سر را با رطوبت آب وضو که در دست باقی مانده مسح کند و بنابر احتیاط واجب، لازم است با دست راست باشد و بهتر این است که از بالا به پایین دست بکشند، ولی عکس آن یعنی از پایین به بالا نیز اشکال ندارد.

مسألة ۲۷۰ - جلو سر، که بالای پیشانی است جای مسح است و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت مسح نماید.

مسألة ۲۷۱ - مسح سر را جایز است بر پوست سر یا بر موهایی که بر آن رویده است بکشند، اما کسی که موی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بن موها یا پوست سر را به راحتی مسح نماید.

مسألة ۲۷۲ - بعد از مسح سر نوبت مسح پاها می رسد که باید با همان رطوبتی که در دست مانده روی پاها را از سرانگشتها تا برآمدگی پشت پا مسح کند و بنابر احتیاط مستحب تا مفصل پا مسح نماید.



مسألة ۲۷۳ - از نظر عرض، کافی است به اندازه یک انگشت مسح کند ولی بهتر است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته باشد و بهتر از آن مسح کردن تمام پشت پا با تمام کف دست است و اگر همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد کافی است.

مسألة ۲۷۴ - برای مسح سر و روی پاها باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را زیر آن حرکت دهد وضو باطل است بنا بر احتیاط واجب اما اگر مختصری سر یا پا حرکت کند اشکال ندارد.

مسألة ۲۷۵ - جای مسح باید خشک باشد، ولی اگر مختصری رطوبت داشته باشد به طوری که آب دست هنگام مسح بر آن غلبه کند اشکال ندارد.

مسألة ۲۷۶ - اگر رطوبت کف دست خشک شود می تواند از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند، ولی از آب خارج جایز نیست و اگر فقط به اندازه مسح سر رطوبت دارد سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر، رطوبت بگیرد.

مسألة ۲۷۷ - مسح باید روی پوست پا باشد و مسح کردن روی جوراب و کفش فایده ندارد، مگر در حال تقیه و اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند آن نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد کافی است روی آنها مسح کند و اگر روی کفش نجس است باید چیزی پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیزی مسح کند.

مسألة ۲۷۸ - اگر روی پا نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد بنا بر احتیاط واجب باید چیزی پاکی روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمم نماید.

### وضوی ارتماسی

مسألة ۲۷۹ - انسان می توان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا بعد از فرو بردن در آب به قصد وضو از آب بیرون آورد و آن را وضوی ارتماسی، می گویند.

مسألة ۲۸۰ - در وضوی ارتماسی باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود، یعنی اگر وقتی صورت و دستها را در آب فرو می برد قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو می کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

مسألة ۲۸۱ - در وضوی ارتماسی برای اینکه مسح سر و پاها با آب خارج نباشد، باید

هنگامی که دست راست و چپ را وضوی ارتماسی می دهد قصد کند که بعد از خارج شدن از آب تا وقتی که آب روی دستها جریان دارد جزء وضو است، در غیر این صورت مسح سر و پاها اشکال دارد.

مسألة ۲۸۲ - جایز است وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی بگیرد و بهتر است وضوی دست چپ را همیشه غیر ارتماسی بگیرد تا برای مسح سر و پاها مشکلی پیش نیاید.

### دعاهای وضو

مسألة ۲۸۳ - شایسته است کسی که وضو می گیرد، موقعی که نگاهش به آب می افتد بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا وَ موقعی که پیش از وضو دست خود را می شوید بگوید: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ وَ در وقت مضمضه کردن، یعنی آب در دهان گرداندن بگوید: اَللّٰهُمَّ لَقِّنِي حُبِّي يَوْمَ الْقَاكِ وَ اَطْلِقْ لِسَانِي بِدُكْرِكَ وَ در وقت استنشاق، یعنی آب در بینی کردن بگوید: اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ مِنْ شِمِّ رِيحِهَا وَ رُوْحِهَا وَ طِيْبِهَا وَ موقع شستن صورت بگوید: اَللّٰهُمَّ يَبِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوْهُ وَ لَا تُسْوَدُ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوْهُ وَ در وقت شستن دست راست بخواند: اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي يَمِيْنِي وَ اَلْحَدِيْ فِي الْجَنَانِ يَسَارِي وَ حَامِيْنِي جِسَابًا يَسِيْرًا وَ موقع شستن دست چپ بگوید: اَللّٰهُمَّ لَا تُغْطِنِي كِتَابِيْ يَسْمَالِي وَ لَا مِنْ وَّرَآءِ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوْلَةً اِلَى عُنُقِي وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مَّقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ وَ موقعی که سر او مسح می کند بگوید: اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ وَ در وقت مسح پا بخواند: اَللّٰهُمَّ بَشِّئْنِي عَلَي الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرْتَلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَخِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ.

### شرایط وضو

مسألة ۲۸۴ - شرایط وضو دوازده چیز است: شرط اول پاک بودن آب وضو شرط دوم اینکه مطلق باشد، بنا بر این وضو با آب نجس یا مضاف باطل است، اگر چه ندانند یا فراموش کرده باشد و اگر نمازی با آن خوانده باید اعاده کند.

مسألة ۲۸۵ - اگر غیر از آب مضاف آب دیگری ندارد باید تیمم کند و اگر آب مضاف او

آب گل آلود است چنانچه وقت دارد باید صبر کند تا آب صاف شود (بنا بر احتیاط واجب).  
 مسأله ۲۸۶ - شرط سوم: آنکه آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد و جایی که آب وضو در آن می‌ریزد و ظرف آن بنا بر احتیاط واجب مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی یا آبی که معلوم نیست صاحبش راضی باشد، اشکال دارد.

مسأله ۲۸۷ - اگر صاحب آب قبلاً اجازه داده و انسان نمی‌داند از اجازه‌اش برگشته یا نه وضوی او صحیح است.

مسأله ۲۸۸ - وضو گرفتن از آب مدارس علوم دینی که نمی‌داند آب آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا فقط برای طلاب همان مدرسه اشکال دارد مگر در صورتی که معمولاً مردم متدین از آب آنجا وضو بگیرند بطوری که نشانه عمومی بودن وقف باشد.

مسأله ۲۸۹ - کسی که نمی‌خواهد در مسجد یا حسینیه‌ای نماز بخواند اگر نمی‌داند آب آن وقف عموم است یا فقط برای کسانی است که در آنجا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند آنجا وضو بگیرد، همچنین وضو گرفتن از آب تیمچه‌ها و مسافرخانه‌ها برای کسانی که ساکن آنجا نیستند، مگر اینکه از عمل افراد متدین بفهمد که وقف آن عام است.

مسأله ۲۹۰ - هرگاه کسی محصل مدرسه‌ای نیست ولی میهمان محصلین است، وضو گرفتن او در آن مدرسه اشکال ندارد، به شرط اینکه پذیرفتن چنان میهمانی برخلاف شرایط وقف نباشد، همچنین در مورد کسی که میهمان مسافران مسافرخانه و یا ساکنان تیمچه‌ها است.

مسأله ۲۹۱ - وضو گرفتن از بهرهای بزرگ و کوچک جایز است، هر چند انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند، اما اگر صاحب آنها از وضو گرفتن صریحاً نهی کند احتیاط واجب ترک است و اگر مجرای نهر را بدون اجازه صاحبش تغییر داده‌اند، احتیاط آن است که از آن وضو نگیرند.

مسأله ۲۹۲ - هرگاه فراموش بکند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد وضویش صحیح است، مگر اینکه خودش آب را غصب کرده باشد که در این صورت اشکال دارد.

مسأله ۲۹۳ - اگر گمان می‌کرد آب از خود اوست و بعد از وضو معلوم شد مال دیگری است، وضوی او صحیح است و باید قیمت آن را به صاحبش بدهد.

مسأله ۲۹۴ - شرط چهارم آن است که ظرف آب وضو بنا بر احتیاط واجب از طلا و نقره

نباشد.

مسألة ۲۹۵ - هرگاه آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است و غیر از آن آب دیگری ندارد، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد اشکال دارد، خواه وضو را به صورت ارتعاسی بگیرد و با دست آب را برداشته به صورت و دست بریزد، اما می تواند آبی را که در ظرف طلا و نقره است در ظرف دیگری بریزد و از آن وضو بگیرد.

مسألة ۲۹۶ - هرگاه در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است وضو بگیرد اگر وضوی او تصرف در غصب محسوب شود اشکال دارد، همچنین اگر شیر آب یا قسمتی از لوله کشی غصبی باشد.

مسألة ۲۹۷ - اگر در صحن یکی از امامان علیهم السلام یا امام زادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهري بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را مخصوص قبرستان وقف کرده اند، وضو گرفتن از آن حوض یا نهر اشکال ندارد.

مسألة ۲۹۸ - شرط پنجم آن است که اعضای وضو موقع شستن یا مسح کردن پاک باشد، اما اگر بعد از تمام شدن وضوی یک عضو، همان عضو نجس شود وضو صحیح است.

مسألة ۲۹۹ - اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد مانعی برای وضو ندارد، ولی در مخرج بول و غائط احتیاط مستحب آن است، اول آن را تطهیر کرده، بعد وضو بگیرد.

مسألة ۳۰۰ - هرگاه یکی از اعضای وضو قبلاً نجس بوده و بعد از وضو شک کند که آن را پیش از وضو آب کشیده یا نه، وضوی او صحیح است، ولی باید برای نماز آن را آب بکشد و اگر چیزی با آن ملاقات کرده تطهیر کند.

مسألة ۳۰۱ - هرگاه در صورت یا دستها بریدگی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب گر یا جاری فرو برد، یا زیر شیر آب بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید و بعد به دستوری که قبلاً گفته شد وضوی ارتعاسی بگیرد، اما اگر آب ضرر دارد باید به دستور وضوی جبیره که بعداً می آید، عمل کند.

مسألة ۳۰۲ - شرط ششم آنکه وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد، بنابراین اگر وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام یا مقداری از واجبات نماز بعد از وقت خوانده می شود باید تیمم کند.

مسألة ۳۰۳ - کسی که در تنگی وقت نماز، باید تیمم کند، هرگاه برای نماز وضو بگیرد باطل است، اما اگر به قصد کار دیگری مانند خواندن قرآن باشد صحیح است.

مسألة ۳۰۴ - شرط هفتم آن است که وضو را به قصد قریب یعنی برای خدا انجام دهد، بنابراین اگر به قصد ریا و خودنمایی یا برای خنک شدن بدن و مانند آن بگیرد باطل است، ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود، ضرری ندارد.

مسألة ۳۰۵ - لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، همین اندازه کافی است که اگر از او پرسند چه می کنی؟ بداند وضو بگیرد.

مسألة ۳۰۶ - هرگاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را می بیند وضوی او باطل نیست، هر چند گناه کرده است.

مسألة ۳۰۷ - شرط هشتم آنکه «ترتیب» را در وضو رعایت کند یعنی اول صورت، بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن مسح سر و بعد مسح پاها را انجام دهد و بنا بر احتیاط پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند.

مسألة ۳۰۸ - شرط نهم اینکه کارهای وضو را چنان بجا آورد که بگویند پشت سر هم انجام می دهد و اگر چنین کند وضوی او صحیح است، هر چند بر اثر گرمی هوا و وزش باد اعضای سابق خشک شده باشند، مثلاً موقعی که می خواهد دست راست را بشوید صورت او خشک شود. ولی اگر طوری انجام دهد که پشت سر هم نباشد وضوی او باطل است، هر چند بر اثر سردی هوا اعضای قبل، خشک نشده باشد.

مسألة ۳۰۹ - راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد مسح سر و پا را بکشد وضوی او صحیح است.

مسألة ۳۱۰ - شرط دهم «مباشرت» است، یعنی خود انسان شستن صورت و دست و مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید وضو باطل است، ولی کمک در مقدمات وضو اشکال ندارد.

مسألة ۳۱۱ - کسی که شخصاً قادر به وضو گرفتن نیست باید کسی را کمک بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد در صورت توانایی باید بدهد، ولی باید خود او نیت

وضو کند و با دست خرد مسح نماید و اگر نمی‌تواند باید دیگری دست او را بگیرد و به محل مسح بکشد و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت سر و پای او را مسح نماید، ولی در این صورت احتیاط واجب این است که تیمم هم بکند.

مسألة ۳۱۲ - انسان هر یک از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید کمک بگیرد.

مسألة ۳۱۳ - شرط یازدهم آن است که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد، بنابراین اگر خوف ضرر دارد، یا می‌ترسد اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، باید تیمم کند.

مسألة ۳۱۴ - هرگاه وضو بگیرد بعد بهفمد آب برای او ضرر داشته وضوی او صحیح است.

مسألة ۳۱۵ - هرگاه آب به مقدار کم برای او ضرر ندارد باید با همان مقدار وضو بگیرد یا مثلاً اگر آب سرد ضرر دارد باید آب را گرم کند.

مسألة ۳۱۶ - شرط دوازدهم آن است که مانعی از رسیدن آب نباشد و هرگاه می‌دانند چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که آیا مانع رسیدن آب هست یا نه باید آن را برطرف کنند.

مسألة ۳۱۷ - اگر زیر ناخن کمی چرک باشد وضو اشکال ندارد، ولی بهتر است آن را تمیز کنند، اما اگر ناخن را بگیرد باید آن چرک را که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کند و نیز اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد و چرک زیر آن مانع رسیدن آب وضو است، باید آن را برطرف سازد.

مسألة ۳۱۸ - هرگاه به واسطه سوختگی یا چیز دیگر ناولهایی بر اعضای وضو پیدا شود شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست ولی چنانچه قسمتی از پوست کنده شده که گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود باید آب را به زیر آن برساند به شرط اینکه ضرر نداشته باشد.

مسألة ۳۱۹ - هرگاه انسان احتمال دهد مانعی در اعضای وضو وجود دارد اگر احتمال آن عقلایی است باید واریسی کند، مثل اینکه بعد از گل کاری یا رنگ کاری شک کند مقداری

گل یا رنگ به دست او چسبیده است.

مسألة ۳۲۰ - رنگهایی که مانع رسیدن آب به بدن نیست، برای وضو ضروری ندارد ولی اگر مانع باشد یا شک کند که مانع است یا نه باید آن را برطرف سازد.

مسألة ۳۲۱ - وجود انگشتر و دستبند و مانند آن اگر مانع رسیدن آب نباشد برای وضو ضروری ندارد و می تواند آن را جابجا کند تا آب به زیر آن برسد و شسته شود و اگر بعد از وضو، انگشتر یا مانع دیگری در دست ببیند و نداند موقع وضو بوده یا نه، وضوی او صحیح است، به شرط اینکه احتمال بدهد در حال وضو توجه به این امر داشته است.

مسألة ۳۲۲ - اگر بعد از فراغت وضو شک کند همه کارهای وضو را انجام داده یا نه یا شرایط در آن جمع بوده یا نه، اعتنا نکند اما اگر در حال وضو شک کند باید بجا آورد.

## احکام وضو

مسألة ۳۲۳ - هرگاه انسان وضو داشته و شک کند باطل شده یا نه، بنا می گذارد که وضوی او باقی است و به عکس اگر کسی وضو نداشته، شک دارد وضو گرفته یا نه بنا می گذارد که وضو نگرفته است.

مسألة ۳۲۴ - کسی که می داند وضو گرفته و حدیثی هم از او سر زده، مثلاً بول کرده، چنانچه نداند کدامیک جلوتر بوده باید وضو بگیرد.

مسألة ۳۲۵ - کسی که در کارهای وضو یا شرایط آن مثل پاک بودن آب و وجود مانع بر اعضای وضو، زیاد شک می کند، باید اعتنا نکند و مطابق معمول مردم انجام دهد.

مسألة ۳۲۶ - هرگاه بعد از نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

مسألة ۳۲۷ - هرگاه در بین نماز شک کند وضو گرفته یا نه، بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و بعد از آن وضو بگیرد و اعاده نماید.

مسألة ۳۲۸ - هرگاه انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره خارج می شود یا نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه می داند که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند باید نماز را در همان وقت مهلت بخواند و باید به واجبات نماز قناعت کند و اذان و اقامه و قنوت را اگر مهلت نمی دهد ترک کند.

مسألة ۳۲۹ - اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند ولی در بین نماز فقط چند مرتبه بول و غائط از او خارج می شود به طوری که اگر بخواند بعد از هر کدام وضو بگیرد مشکل نیست، در این صورت باید بنا بر احتیاط واجب ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت چیزی از او خارج شد وضو بگیرد و بقیه نماز را خواند، اما اگر چنان بی در پی از او خارج می شود که این کار برای او مشقت بار است یک وضو کافی است.

مسألة ۳۳۰ - چنانچه گفته شد هرگاه بول یا غائط طوری بی در پی از او خارج شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او بسیار مشکل است، یک وضو کافی است، بلکه می تواند دو نماز مانند ظهر و عصر را با همان یک وضو بخواند، اگر چه احتیاط آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد.

مسألة ۳۳۱ - هرگاه این گونه افراد با اختیار خود بول یا غائط کنند باید وضو بگیرند.

مسألة ۳۳۲ - هرگاه مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کنند عمل نماید.

مسألة ۳۳۳ - کسی که بول یا غائط بی در پی از او خارج می شود باید بعد از هر وضو فوراً مشغول نماز شود و برای بجا آوردن نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده، وضو گرفتن دیگری لازم نیست، به شرط اینکه میان نماز و این کارها فاصله ای نبیندازد.

مسألة ۳۳۴ - کسی که بول یا غائط از او بی اختیار خارج می شود باید برای نماز به وسیله کیسه و مانند آن از آلودگی جاهای دیگر بدن جلوگیری کند و احتیاط آن است که پیش از هر نماز مخرج را آب بکشد.

مسألة ۳۳۵ - کسانی که دارای چنین بیماری هستند، اگر به آسانی قابل معالجه باشند واجب است معالجه کنند و اگر نکنند برای آنها اشکال دارد.

مسألة ۳۳۶ - کسانی که به چنین بیماری مبتلا هستند پس از بهبودی لازم نیست نمازهایی را که در وقت بیماری طبق دستورهای بالا خوانده اند قضا نمایند، ولی اگر قبل از پایان وقت نماز بهبودی یابند باید نمازی را که وقتش باقی است اعاده کنند (بنا بر احتیاط واجب).



## اموری که باید برای آنها وضو گرفت

مسألة ۳۳۷ - وضو برای شستن چیز واجب است:

- ۱ - نماز واجب (غیر از نماز بیت).
- ۲ - سجده و تشهد فراموش شده.
- ۳ - طواف واجب (باید توجه داشت طوافهایی که جزء حج یا عمره است طواف واجب حساب می شود هر چند اصل حج و عمره مستحب باشند).
- ۴ - هرگاه نذر یا عهد کرده یا قسم خورده که وضو بگیرد و با طهارت باشد.
- ۵ - هرگاه نذر کرده جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند (در صورتی که این نذر شرعاً رجحان داشته باشد مثل اینکه می خواهد از روی احترام خط قرآن را ببوسد)
- ۶ - برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از محل آلوده، هرگاه مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند.

مسألة ۳۳۸ - تماس بدن با خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است، ولی ترجمه قرآن به زبانهای دیگر این حکم را ندارد.

مسألة ۳۳۹ - هرگاه دیوانه یا بچه ای بدون وضو دست به خط قرآن می زند جلوگیری او واجب نیست، اما اگر کاری کنند که بی احترامی به قرآن باشد باید از آنها جلوگیری کرد.

مسألة ۳۴۰ - کسی که وضو ندارد حرام است اسم خداوند متعال را که به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید (بنابر احتیاط واجب) و مس اسم مبارک پیامبر ﷺ و ائمه هدی و حضرت زهرا (علیهم السلام) نیز اگر هتک حرمت و بی احترامی باشد حرام است.

مسألة ۳۴۱ - مستحب است انسان برای اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد، خواه نزدیک وقت نماز باشد یا نه و با آن وضو می تواند نماز بخواند.

مسألة ۳۴۲ - هرگاه یقین دارد وقت، داخل شده و قصد وضوی واجب کند، بعد بفهمد وقت، داخل نشده بود، وضوی او صحیح است.

مسألة ۳۴۳ - وضو گرفتن در چند جا مستحب است: برای خواندن قرآن، برای نماز میت و برای دعا و مانند آن و نیز مستحب است کسی که وضو دارد برای خواندن نماز، تجدید وضو کند و هرگاه به قصد یکی از این کارها وضو بگیرد تمام کارهایی را که مشروط به وضو است می تواند انجام دهد.

### اموری که وضو را باطل می‌کند

مسألة ۳۴۴ - هشت چیز وضو را باطل می‌کند: ۱ - خارج شدن بول ۲ - غائط ۳ - بادی که از مخرج غائط خارج شود ۴ - خوابی که بر عقل غلبه کند و به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود. ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود ۵ - کلیه اموری که عقل را از بین می‌برد مانند مستی، بیهوشی و دیوانگی (بنابر احتیاط واجب) ۶ - استحاضه زنان که شرح آن در جای خود می‌آید ۷ - کاری که برای آن باید غسل کرد، مانند جنابت ۸ - مس میت انسان.

### احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می‌بندند و دوایی که روی آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود.

مسألة ۳۴۵ - هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل شکستگی باشد چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم برای آن مضر نیست باید مطابق معمول، وضو بگیرد.  
مسألة ۳۴۶ - هرگاه زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد باید دست تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

مسألة ۳۴۷ - هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محل مسح باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنابر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند.

مسألة ۳۴۸ - هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقت زیادی ندارد و آب هم برای آن مضر نیست باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن، دست تر بکشد، پارچه پاکی را بر آن ببندد و دست تر روی آن بکشد.

مسألة ۳۴۹ - هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را گرفته باشد، باید بنابر

احتیاط هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد.

مسألة ۳۵۰ - کسی که در کف دست و انگشت‌هایش جبیره دارد و در همان موقع وضو دست تر روی آن کشیده می‌تواند مسح سر و پا را با همان رطوبت انجام دهد و اگر کافی نباشد، از جاهای دیگر وضو رطوبت می‌گیرد.

مسألة ۳۵۱ - هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد.

مسألة ۳۵۲ - هرگاه در جای وضو، زخم و جراحت و شکستگی وجود ندارد، اما به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد باید تیمم کند، ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، چنانچه اطراف آن را بشوید کافی است و احتیاط آن است که تیمم هم بکند.

مسألة ۳۵۳ - اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست، یا بسیار مشقت دارد باید به دستور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشد.

مسألة ۳۵۴ - غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است. ولی تا ممکن است باید غسل را ترتیبی بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب.

مسألة ۳۵۵ - کسی که وظیفه او تیمم است هرگاه در اعضای تیمم او زخم، یا دمل، یا شکستگی باشد باید مطابق دستور وضوی جبیره‌ای تیمم جبیره‌ای کند.

مسألة ۳۵۶ - کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است، چنانچه می‌داند تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. اما اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند.

مسألة ۳۵۷ - اگر به خاطر درد چشم شستن صورت ضرر دارد باید تیمم کند و اگر می‌تواند اطراف چشم و بقیه صورت را بشوید، کافی است.

مسألة ۳۵۸ - نمازهایی را که با وضو یا غسل جبیره‌ای می‌خوانند اعاده ندارد مگر اینکه قبل از پایان وقت نماز، عذر برطرف شود، در اینجا بنا بر احتیاط واجب، نماز را اعاده کنند.

## غسل‌های واجب

مسألة ۳۵۹ - غسل‌های واجب هفت غسل است: ۱ - غسل جنابت ۲ - غسل حیض ۳ - غسل نفاس ۴ - غسل استعاذه ۵ - غسل مس میت ۶ - غسل میت ۷ - غسل مستحیی که بواسطه نذر و قسم و مانند آن واجب شده است.

### ۱ - غسل جنابت

مسألة ۳۶۰ - انسان یا دو چیز جنب می‌شود: اول جماع (آمیزش جنسی) دوم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت.  
مسألة ۳۶۱ - اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه همراه با «جستن» و «شهوت» بوده باشد آن رطوبت حکم منی دارد و اگر این دو نشانه یا یکی از آنها را نداشته باشد حکم منی ندارد، ولی در زن و مریض لازم نیست که با جستن بیرون آید، بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است، حکم منی دارد.

مسألة ۳۶۲ - غالباً بعد از بیرون آمدن منی بدن مست می‌شود، ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه‌ها نیست.

مسألة ۳۶۳ - مستحب است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرات باقیمانده خارج شود و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند.

مسألة ۳۶۴ - اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود مرد و زن هر دو جنب می‌شوند، خواه بالغ باشند یا نابالغ، منی بیرون آید یا نه. این در صورتی است که جماع در قتل باشد و اگر در ذبح باشد بنا بر احتیاط واجب باید جمع کند بین غسل و وضو.  
مسألة ۳۶۵ - اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

مسأله ۳۶۶ - هرگاه نعوذ بالله با حیوانی نزدیکی کند و منی از او بیرون آید، جنب می‌شود و غسل کافی است، اما اگر منی بیرون نیاید احتیاط واجب آن است که برای نماز و مانند آن، هم غسل کند و هم وضو بگیرد، مگر اینکه قبل از این کار وضو داشته باشد که در این صورت غسل کافی است.

مسأله ۳۶۷ - هرگاه منی از جای خود حرکت کند اما از ریختن آن به بیرون جلوگیری بعمل آورد، یا به علت دیگر بیرون نیاید غسل واجب نیست، همچنین اگر شک کند که بیرون آمده یا نه.

مسأله ۳۶۸ - کسی که آب برای غسل کردن ندارد می‌تواند با همسر خود نزدیکی کند و تیمم برای او کافی است، خواه بعد از داخل شدن وقت نماز باشد یا قبل از آن.

مسأله ۳۶۹ - هرگاه در لباس خود منی ببیند و یقین نماید از خود اوست باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد با جنابت خوانده فضا نماید، ولی آنچه را شک دارد لازم نیست فضا نماید.

### کارهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۳۷۰ - پنج کار بر جنب حرام است:

۱ - مس خط قرآن یا اسم خدا و پیامبران و امامان بنا بر احتیاط واجب همانطور که در وضو گفته شد.

۲ - رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ﷺ هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

۳ - توقف کردن در مساجد دیگر، اما اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند.

۴ - داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن.

۵ - خواندن یکی از آیات سجده، ولی خواندن غیر آیه سجده از سوره سجده مانعی ندارد.

مسأله ۳۷۱ - سوره‌هایی که سجده واجب در آن است چهار سوره است: ۱ - سوره الم

سجده (سوره ۳۲) ۲ - سوره حم سجده (سجده ۴۱) ۳ - سوره والنجم (سوره ۵۳) ۴ -  
سوره اقرأ (سوره ۹۶)

### کارهایی که بر جنب مکروه است

مسأله ۳۷۲ - شایسته است بجنب چند چیز را ترک کند:

۱ و ۲ - خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست ۳ - خواندن بیشتر از هفت  
آیه از قرآن، حتی از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد ۴ - تماس بدن با جلد و حاشیه و  
فاصله سلور قرآن مجید و همراه داشتن آن ۵ - خوابیدن بدن ۶ - رنگ کردن موها به حنا و  
مانند آن ۷ - مالیدن روغن و انواع کرهما به بدن ۸ - جماع کردن بعد از محتلم شدن.

### احکام غسل جنابت

مسأله ۳۷۳ - غسل جنابت را هرگاه برای رفع جنابت و پاک شدن انجام دهد مستحب  
است، اما برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود، برای نماز میت و سجده  
شکر و سجده‌های واجب قرآن (هنگامی که آیه سجده را از دیگری بشنود) غسل جنابت  
واجب نیست، بلکه در همان حال نیز انجام این کارها جایز است، هر چند بهتر است که  
برای نماز میت و سجده شکر و امثال آن غسل کند.

مسأله ۳۷۴ - هنگام غسل کردن لازم نیست نیت واجب یا مستحب کند، همین اندازه که  
به قصد قربت و اطاعت فرمان خدا انجام دهد کافی است.

مسأله ۳۷۵ - هرگاه بقیه وقت نماز داخل شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم  
شود که پیش از وقت بوده، غسل او صحیح است، همچنین اگر به نیت نماز واجب غسل  
کند، بعد معلوم شود وقت گذشته بوده است، غسل او صحیح می‌باشد.

مسأله ۳۷۶ - غسل را خواه واجب باشد یا مستحب، به دو صورت می‌توان انجام داد:  
ترتیبی و ارتعاسی

مسأله ۳۷۷ - غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از نیت، اول سر و گردن را  
می‌شوید و بعد طرف راست و بعد طرف چپ را (بنا بر احتیاط واجب) و اگر همداً با از  
روی فراموشی یا ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل را اعاده می‌کند.

مسألة ۳۷۸ - باید نصف ناف و نصف عورت را با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بشوید، ولی بهتر است تمام آن را با هر دو طرف غسل دهد.

مسألة ۳۷۹ - برای اینکه یقین کند هر سه قسمت بدن یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده کمی از قسمتهای دیگر را با آن قسمت می‌شوید و احتیاط مستحب آن است که طرف راست گردن را با طرف راست بدن و طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

مسألة ۳۸۰ - اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است و اگر از طرف راست باشد، احتیاط آن است که بعد از شستن آن دوباره طرف راست و چپ را بشوید.

مسألة ۳۸۱ - اگر بعد از تمام شدن غسل، شک کند که اعضا را درست شسته یا نه، اعتنا نکند.

مسألة ۳۸۲ - غسل ارتماسی آن است که بعد از نیت تمام بدن را یک دفعه یا به تدریج در آب فرو می‌برد، خواه در مثل حوض و استخر باشد و یا زیر آبیاری که آب آن یک مرتبه تمام بدن را فرا می‌گیرد، اما غسل ارتماسی زیر دوش معمولی نیست.

مسألة ۳۸۳ - هرگاه مقداری از بدن بیرون آب باشد و نیت غسل ارتماسی کند و در آب فرو رود کافی است اما اگر تمام بدن زیر آب باشد و آن را تکان دهد مشکل است.

مسألة ۳۸۴ - اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد مقداری از بدن شسته نشده باید دوباره غسل کند.

مسألة ۳۸۵ - در غسل ارتماسی باید پاها را نیز از زمین بلند کند تا آب به زیر آن برسد.

مسألة ۳۸۶ - اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و می‌تواند ارتماسی انجام دهد، واجب است ارتماسی انجام دهد.

مسألة ۳۸۷ - احتیاط واجب آن است که کسی که روزه واجب گرفته، یا برای حج یا عمره احرام بسته، غسل ارتماسی نکند و سر خود را زیر آب فرو نبرد، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است و ضرر به روزه و احرام او نمی‌زند.

مسألة ۳۸۸ - در غسل ترتیبی می‌تواند سه بار در آب فرو رود، یکبار به نیت سر و گردن دیگری به نیت طرف راست و دیگری را به نیت طرف چپ.

## احکام غسل

- مسألة ۳۸۹ - در غسل ارنماسی باید تمام بدن پاک باشد (بنا بر احتیاط واجب) ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، همین اندازه که هر عضو پیش از غسل دادن پاک باشد، کافی است.
- مسألة ۳۹۰ - سابقاً گفتیم هرق مجنب از حرام نجس نیست و چنین کسی می تواند با آب گرم غسل کند، ولی بهتر است با آب ملایم غسل کند که هرق ننماید.
- مسألة ۳۹۱ - هرگاه مختصری از بدن شسته نشود، غسل باطل است، اما شستن باطن، داخل گوش و بینی و داخل چشم لازم نیست.
- مسألة ۳۹۲ - هنگام غسل باید هر چیزی که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کند و اگر احتمال عقلایی می دهد مانعی باشد، باید واریسی کند تا مطمئن شود مانعی نیست.
- مسألة ۳۹۳ - موهای کوتاه را که جزء بدن حساب می شود باید بشوید، بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آنها هر دو لازم است.
- مسألة ۳۹۴ - شرایطی که برای وضو گفته شد مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل لازم نیست که از بالا به پایین بشوید و فاصله افتادن میان شستن اعضا در غسل ترتیبی نیز اشکالی ندارد مگر در مورد کسی که نمی تواند بول و خائط خود را حفظ کند که باید پشت سر هم بجا آورد و فوراً نماز بخواند، همچنین در زن مستحاضه.
- مسألة ۳۹۵ - کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد، یا بدون علم به رضایت او می خواهد نسیه بگذارد بنا بر احتیاط، غسل او باطل است، همچنین اگر قصد دارد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد.
- مسألة ۳۹۶ - کسی که زیاده تر از معمول در حمام آب می ریزد، غسل او اشکال دارد، مگر اینکه تصمیم داشته باشد حمامی را با پول اضافی راضی کند.
- مسألة ۳۹۷ - هرگاه شک کند غسل کرده یا نه، باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شک کند غسل او صحیح بوده یا نه، احتیاطاً به شک نکند.
- مسألة ۳۹۸ - اگر در اثناء غسل، حدیث اصغر از او سرزند (مثلاً بول کند) بنا بر احتیاط واجب، باید غسل را از سر گیرد و برای نماز و مانند آن، وضو نیز بگیرد.
- مسألة ۳۹۹ - هرکسی مجنب شده و نمازهایی خوانده است، بعداً شک کند غسل کرده یا



نه، آن نمازها صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

مسئله ۴۰۰ - چند غسل واجب، با واجب و مستحب را می‌توان با یک نیت انجام داد، یعنی یک غسل کند به نیت جنابت و حیض و مس میت و غسل جمعه و مانند آن و از همه کفایت می‌کند.

مسئله ۴۰۱ - با هر غسلی می‌توان نماز خواند و وضو واجب نیست، خواه جنابت باشد یا غیر آن، واجب باشد یا مستحب، ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.

## ۲ - غسل استحاضه

مسئله ۴۰۲ - یکی از خونهایی که از زن خارج می‌شود خون «استحاضه» است و در این موقع زن را «مستحاضه» می‌گویند، به طور کلی تمام خونهایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم زن خارج می‌شود خون استحاضه است.

مسئله ۴۰۳ - خون استحاضه غالباً کم رنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید، ولی ممکن است گاهی تیره رنگ یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش خارج شود.

مسئله ۴۰۴ - استحاضه فقط دو قسم است: «قلیله» و «کثیره»:

استحاضه قلیله آن است که هرگاه زن پنبه‌ای را داخل کند، خون آن را آلوده نماید ولی از طرف دیگر خارج نشود، خواه خون در پنبه فرو رود یا نه، و استحاضه کثیره آن است که خون، در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

مسئله ۴۰۵ - در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد (بنابر احتیاط واجب) و واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند، اما عوض کردن پنبه و دستمال واجب نیست، هر چند احتیاط است. و در استحاضه کثیره واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوم برای مغرب و هشا و باید میان این نمازها جمع کند و احتیاط مستحب آن است که علاوه بر این، برای هر نماز یک وضو بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن.

مسئله ۴۰۶ - هرگاه قبل از داخل شدن وقت نماز وضو یا غسل را انجام داده باشد باید در

موقع نماز بنا بر احتیاط واجب، آن را احاده کند.

مسألة ۴۰۷ - هرگاه استحاضه قلیله بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل کند.

مسألة ۴۰۸ - در تمام مواردی که غسل بر او واجب می شود اگر غسل کردن مکرر برای او ضرر دارد، با مایه مشقت زیاد است می تواند بجای آن تیمم کند.

مسألة ۴۰۹ - در استحاضه کثیره یا قلیله اگر قبل از اذان صبح برای نماز شب غسل کند یا وضو بجا آورد و نماز شب را بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دو مرتبه غسل و وضو را انجام دهد.

مسألة ۴۱۰ - هرگاه زن مستحاضه قلیله، نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را از هم جدا بخواند، باید برای هر کدام یک وضو بگیرد و همچنین برای نمازهای مستحب، ولی برای مجموع نماز شب، یک وضو یا غسل کافی است و برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو که بلافاصله بعد از نماز بجا می آورد، غسل و وضو لازم نیست.

مسألة ۴۱۱ - زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد. فقط برای اولین نماز باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسألة ۴۱۲ - هرگاه نداند استحاضه او قلیله است یا کثیره، بنا بر احتیاط واجب باید قبل از نماز، خود را واریسی کند و اگر نمی تواند خود را واریسی کند، احتیاط آن است که هم وظیفه استحاضه کثیره را انجام دهد و هم قلیله، اما اگر حالت سابق او معلوم است کثیره یا قلیله بوده می تواند به وظیفه همان ادامه دهد.

مسألة ۴۱۳ - هرگاه زن مستحاضه بعد از نماز، خود را واریسی کند و خون نبیند، با وضویی که دارد می تواند نماز دیگر را بخواند هر چند بعد از مدتی دوباره خون بیاید.

مسألة ۴۱۴ - هرگاه زن مستحاضه بداند پیش از گزشتن وقت نماز به کلی پاک می شود و یا به اندازه خواندن نماز، خون قطع می گردد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند و هنگامی که پاک شد غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بخواند.

مسألة ۴۱۵ - مستحاضه باید بعد از غسل یا وضو فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و

اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز بلکه انتظار جماعت به اندازه معمول اشکال ندارد و در نماز نیز، می‌تواند مستحبات، مثل قنوت و مانند آن را انجام دهد.

مسئله ۴۱۶ - هرگاه خون به بیرون جریان دارد چنانچه برای او ضرر نداشته باشد باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه و مانند آن از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر این کار مشقت زیاد دارد، لازم نیست.

مسئله ۴۱۷ - هرگاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی.

مسئله ۴۱۸ - زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورتی روزه او صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد و همچنین غسل‌های روزی را که روزه است (بنابر احتیاط واجب).

مسئله ۴۱۹ - هرگاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزه آن روز غسلی ندارد.

مسئله ۴۲۰ - اگر در بین نماز، استحاضه قلیله زن، کثیره شود باید نماز را رها کند و غسل نماید و از نو بخواند و در صورتی که برای غسل وقت ندارد تیمم کند، ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد باید همان نماز را تمام کرده و بنابر احتیاط واجب قضا نماید.

مسئله ۴۲۱ - هرگاه استحاضه کثیره زن، قلیله شود باید برای نماز اول غسل کند و برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

مسئله ۴۲۲ - مستحاضه کثیره هرگاه غسل‌های روزانه خود را انجام دهد برای اعمال دیگر مانند طواف و نماز قضا و نماز آیات و نماز شب، غسل دیگری بر او واجب نیست تنها باید وضو بگیرد.

مسئله ۴۲۳ - زن مستحاضه می‌تواند نماز قضا بخواند، ولی برای هر نماز بنابر احتیاط واجب باید یک وضو بگیرد، ولی برای خواندن نوافل روزانه، همان وضوی نماز واجب کافی است و همچنین برای تمام نماز شب یک وضو کفایت می‌کند، به شرط اینکه پشت سر هم بجا آورد.

مسئله ۴۲۴ - هر خونین که از زن خارج شود و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد و مربوط به بکارت یا زخم یا جراحتی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است.

مسألة ۴۲۵ - هرگاه شک کند که خون، از زخم است یا نه و ظاهر حال او سلامت است، خون استحاضه حساب می شود، اما اگر وضع حال او مشکوک باشد که خون از زخم است یا غیر آن، احکام استحاضه ندارد.

### ۳ - احکام حیض

مسألة ۴۲۶ - حیض که گاهی از آن به تعبیر به «عادت ماهیانه» می کنند خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم خارج می شود و به هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزندان است. زن را در موقع دیدن خون حیض «حائض» می گویند و در شرع مقدس اسلام احکامی دارد که در مسائل آینده خواهد آمد.

مسألة ۴۲۷ - خون حیض نشانه هایی دارد: در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن تیره یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش خارج می شود.

مسألة ۴۲۸ - زنان سیده و غیر سیده هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سالگی یائسه می شوند، یعنی اگر خونی ببینند خون حیض نیست، مگر زنانی که از قبیله «قریش» محسوب می شوند که آنها بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند.

مسألة ۴۲۹ - خونی را که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می بیند حکم حیض ندارد و اگر مربوط به زخم و جراحتی نباشد، استحاضه است که احکام آن قبلاً گفته شد.

مسألة ۴۳۰ - زنان باردار یا زنانی که بچه شیر می دهند ممکن است حائض شوند.

مسألة ۴۳۱ - دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض نیست و اگر نشانه ها را داشته باشد و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نه سالش تمام و بالغ شده است، ولی زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

مسألة ۴۳۲ - مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود، حتی اگر مختصری کمتر باشد حیض نیست.

مسألة ۴۳۳ - سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، بنابراین اگر مثلاً دو روز خون

ببیند و یک روز پاک شود و دوباره ببیند، حیض نیست و اینکه می‌گوییم باید پشت سر هم باشد، معنایش این نیست که در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر در فضای داخل مخرج خون باشد کافی است.

مسألة ۴۳۳ - لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود و ادامه داشته باشد.

مسألة ۴۳۵ - هرگاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود چنانچه دوباره خون ببیند و ایامی که خون دیده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده حائض است، ولی روزهایی که در وسط پاک بوده، حکم زنان پاک را دارد.

مسألة ۴۳۶ - اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود، بعداً سه روز یا بیشتر خون ببیند با نشان‌هایی که گفته شد فقط خون دوم حیض است.

مسألة ۴۳۷ - زنی که مبتلا به خونریزی است اگر به طبیب مراجعه کند و او تشخیص دهد خون حیض یا خون زخم و مانند آن است، چنانچه به گفته طبیب اطمینان حاصل کند می‌تواند بر طبق احکام آن عمل نماید.

### احکام زن حائض

مسألة ۴۳۸ - کارهایی که بر حائض حرام است به شرح زیر است:

۱ - تمام عبادتهایی که با وضو یا غسل یا تیمم انجام می‌شود، مانند نماز و روزه و طواف خانه خدا ولی بجا آوردن عباداتی که طهارت در آن شرط نیست مانند نماز میت مانعی ندارد.

۲ - تمام کارهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

۳ - نزدیکی کردن که هم برای مرد حرام است و هم برای زن.

۴ - طلاق در این حالت نیز باطل و بی‌اثر است.

مسألة ۴۳۹ - هرگاه مرد در حال حیض با همسر خود نزدیکی کند مستحب است کفاره دهد و کفاره آن، در ثلث اولی روزهای حیض، یک مثقال طلای سکه دار، یا قیمت آن است (مثقال شرعی ۱۸ نخود می‌باشد) و اگر در ثلث دوم باشد نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد یک چهارم مثقال است، بنابراین اگر ایام عادت شش روز است دو روز اول یک

مثقال دو روز وسط نیم مثقال و دو روز آخر یک چهارم مثقال کفاره دارد.

مسألة ۴۴۰ - هرگاه بخواند قیمت طلا را بپردازد باید به قیمت روزی که می‌پردازد حساب کند.

مسألة ۴۴۱ - بازی کردن با همسر در حال حیض، حرام نیست و کفاره هم ندارد.

مسألة ۴۴۲ - هرگاه نزدیکی را تکرار کند مستحب است کفاره را نیز تکرار کند.

مسألة ۴۴۳ - اگر مرد در حال نزدیکی بفهمد زن حائض شده باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود، گناه کرده و بنا بر احتیاط مستحب باید کفاره بپردازد.

مسألة ۴۴۴ - اگر مرد با زن حائض زنا کند. با با زن حائض بیگانه‌ای به گمان اینکه همسر خود اوست نزدیکی نماید، احتیاط آن است که کفاره دهد.

مسألة ۴۴۵ - کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد بهتر آن است که صدقه‌ای بدهد و اگر نمی‌تواند باید از گناه خود استغفار کند.

مسألة ۴۴۶ - هرگاه زن بگوید حائض هستم یا از حیض پاک شده‌ام، حرف او قبول است، مگر اینکه مورد سوءظن باشد.

مسألة ۴۴۷ - هرگاه زن در وسط نماز حائض شود نماز او باطل است و نباید ادامه دهد، ولی اگر شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

مسألة ۴۴۸ - هرگاه که زن از حیض پاک شود باید برای انجام عبادات خود غسل کند و اگر دسترسی به آب ندارد تیمم نماید، دستور غسل حیض مثل غسل جنابت است و از وضو نیز کفایت می‌کند، ولی احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد (خواه پیش از غسل باشد یا بعد از غسل).

مسألة ۴۴۹ - هنگامی که زن از خون حیض پاک شود، طلاق او صحیح است و همسرش نیز می‌تواند با او نزدیکی کند، هر چند هنوز غسل نکرده باشد ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی خودداری کند، ولی کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده، مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب.

مسألة ۴۵۰ - نمازهای روزانه که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه واجب را باید قضا کند.

مسألة ۴۵۱ - هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند یا گمان داشته باشد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز را بخواند.

مسألة ۴۵۲ - هرگاه زن در اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز پاک باشد و نماز نخواند و حائض شود، آن نماز را باید بعداً قضا کند و در اندازه وقت برای انجام واجبات، باید ملاحظه حال خود را نماید، مثلاً برای مسافر به اندازه دو رکعت و برای حاضر، به اندازه چهار رکعت و کسی که وضو ندارد، وقت وضو را نیز باید در نظر بگیرد و همچنین تطهیر لباس و بدن و اگر فقط به اندازه خود نماز وقت داشته باشد احتیاط، قضا کردن نماز است.

مسألة ۴۵۳ - هرگاه در آخر وقت نماز پاک شود باید غسل کند و نماز را بخواند، حتی اگر به اندازه یک رکعت نماز وقت داشته باشد احتیاط واجب خواندن نماز است و در صورت نخواندن، قضای آن را بجا آورد.

مسألة ۴۵۴ - هرگاه در آخر وقت پاک شود، اما وقت برای غسل ندارد فقط می‌تواند تیمم کند و یک رکعت نماز را در وقت و بقیه را در خارج وقت بجا آورد نماز بر او واجب نیست، ولی اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل اینکه آب برای او ضرر دارد باید تیمم کند و نماز را بجا آورد.

مسألة ۴۵۵ - هرگاه زن پاک شود و شک کند که به مقدار کافی وقت برای نماز باقی مانده یا نه، باید نمازش را بخواند.

مسألة ۴۵۶ - مستحب است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک کند و دستمال و پنبه را عوض نماید و وضو بگیرد، یا اگر نمی‌تواند تیمم کند و در جای نماز خود رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر خدا و دعا و صلوات شود، اما خواندن قرآن و همراه داشتن آن و مس حواشی و فاصله میان خطوط آن و نیز خضاب کردن به حنا برای حائض شایسته نیست.

### اقسام زنان حائض

مسألة ۴۵۷ - زنان حائض بر شش گونه‌اند:

۱ - صاحب عادت وقتی و عددی: یعنی زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون

حیض ببیند و شماره روزهای او در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل اینکه دو ماه پشت سر هم از اول ماه تا هفتم، خون ببیند.

۲ - صاحب عادت وقتیّه: و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند، ولی شماره روزهای او به یک اندازه نباشد، مثلاً یک ماه، پنج روز و یک ماه، هفت روز ببیند.

۳ - صاحب عادت عددیه: و آن زنی است که شماره روزهای عادت او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است (مثلاً هفت روز)، ولی وقت دیدن آن مختلف است، مثلاً یک بار از اول ماه و بار دیگر از دهم ماه شروع می شود.

۴ - مضطربه: و آن زنی است که چند ماه حائض شده ولی عادت معین پیدا نکرده و یا اگر سابقاً عادت داشته، به هم خورده و عادت تازه ای جانشین آن نشده است.

۵ - مبتدئه: و آن زنی است که برای اولین بار حائض می شود.

۶ - ناسیه: و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.

هر کدام از اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود.

#### ۱ - صاحب عادت وقتیّه و عددیه

مسألة ۴۵۸ - زنانی که عادت وقتیّه و عددیه دارند همین که در ایام عادت خون ببینند حائض می شوند و تا پایان ایام عادت، احکام حائض را دارند، خواه نشانه های خون حیض در آن بوده باشد، یا نه.

مسألة ۴۵۹ - هرگاه زنی در تمام ماه پاک نمی شود، ولی در دو ماه پشت سر هم چند روز معین (مثلاً از اول تا هفتم ماه) خونی را که می بیند، نشانه های حیض را دارد، اما بقیه چنین نیست، او نیز باید همان ایام را عادت قرار دهد.

مسألة ۴۶۰ - زنانی که عادت وقتیّه و عددیه دارند، اگر یکی دو سه روز جلوتر از زمان عادت یا بعد از آن خون ببینند به طوری که بگویند عادت را جلو یا عقب انداخته، باید به احکام زن حائض عمل کنند، خواه آن خون نشانه های حیض را داشته باشد یا نه.

مسألة ۴۶۱ - زنی که عادت وقتیّه و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند (به طوری که در میان زنها معمول است که گاهی عادت را جلوتر



یا عقب می‌اندازند) و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت دیده حیض است و قبل و بعد از آن استحاضه می‌باشد، همین طور اگر چند روز قبل از ایام عادت به اضافه تمام عادت را خون ببیند، یا فقط چند روز بعد از عادت به اضافه تمام ایام عادت را خون ببیند که اگر از ده روز تجاوز نکند، همه اش حیض است و اگر تجاوز کند فقط ایام عادت حیض محسوب می‌شود.

مسألة ۴۶۲ - زنی که عادت دارد هرگاه سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون، کمتر از ده روز باشد و تمام روزهایی را که خون دیده بیش از ده روز نباشد، همه آن حیض است (اما ایامی که در وسط پاک بوده، پاک محسوب می‌شود) و اگر زیادتر از ده روز باشد آن خونی که در عادت بوده حیض و دیگری که نبوده، استحاضه است و اگر هیچ کدام در عادت نبوده آن خونی که دارای صفات حیض است حیض و دیگری استحاضه است و اگر هر دو صفات حیض دارد تا ده روز حیض محسوب می‌شود و بعد از آن استحاضه است.

مسألة ۴۶۳ - زنی که عادت وقتی و عددی دارد اگر در وقت عادت، خون نبیند و در غیر آن ایام به شماره روزهای حیضش خون ببیند باید همان را حیض قرار دهد. چه پیش از وقت عادت باشد، یا بعد از آن، به شرط اینکه نشانه‌های حیض را داشته باشد.

مسألة ۴۶۴ - زنی که عادت وقتی و عددی دارد و اگر در وقت عادت خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از ایام عادت باشد و قبل از وقت عادت، یا بعد از آن به شماره روزهای عادت خون ببیند، فقط خونی را که در وقت عادت دیده حیض قرار می‌دهد.

مسألة ۴۶۵ - زنانی که عادت وقتی و عددی دارند و اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، آنچه را در روزهای عادت دیده‌اند حیض است (خواه نشانه‌های حیض را داشته باشند یا نه) و آنچه بعد از روزهای عادت دیده‌اند استحاضه است (خواه نشانه‌های حیض داشته باشد یا نه).

## ۲ - صاحب عادت وقتیہ

مسألة ۴۶۶ - زنانی که فقط «عادت وقتیہ» دارند یعنی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببینند سپس پاک شوند، ولی شماره روزهای آن یک اندازه نباشد، باید تمام آن را حیض قرار دهند به شرط آنکه از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد.

مسألة ۴۶۷ - زنی که از خون پاک نمی شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد، اما شماره روزهای خونی که نشانه حیض را دارد یک اندازه نیست چنین زنی نیز باید تمام آنچه را که نشانه حیض دارد حیض قرار دهد.

مسألة ۴۶۸ - زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود، دو مرتبه سه روز یا بیشتر خون ببیند و مجموع روزهایی که خون دیده از ده روز بیشتر نشود (ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد) چنین زنی نیز باید تمام آنچه را دیده حیض قرار دهد، ولی در روزهای وسط که پاک است حکم طاهر را دارد.

مسألة ۴۶۹ - زنی که «عادت وقتیہ» دارد اگر در وقت عادت خود، یا دو سه روز قبل یا بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، باید به حکم زنهای حائض عمل کند، خواه آن خون نشانه های حیض را داشته باشد یا نه.

مسألة ۴۷۰ - زنی که عادت وقتیہ دارد اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند تعداد روزهای حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید مطابق تعداد روزهای عادت زنان خویشاوند خود حیض قرار دهد اعم از خویشاوندان پدری یا مادری، زنده یا مرده و این در صورتی است که همه یا اکثریت قریب به اتفاق آنها یکسان باشند، اما اگر در میان آنها اختلاف است، مثلاً بعضی پنج روز و بعضی هشت روز عادت می بینند، احتیاط واجب آن است که در هر ماه هفت روز را ایام عادت خود قرار دهد.

## ۳ - صاحب عادت عددیه

مسألة ۴۷۱ - زنانی که «عادت عددیه» دارند یعنی شماره روزهای حیض آنها در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است، ولی وقت آن تغییر می کند، آنها باید در همان چند روز به احکام حائض عمل کنند.

مسألة ۴۷۲ - زنانی که از خون پاک نمی شوند ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی را

که می‌بینند نشانه حیض و بقیه نشانه‌های استحاضه دارد و شماره روزهایی که نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، باید آن چند روزی که نشانه حیض را دارد حیض قرار دهند.

مسألة ۴۷۳ - زنی که «عادت عددیّه» دارد اگر بیشتر از شماره عادت خود، خون ببیند و از ده روز بیشتر چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر چند روز آن نشانه حیض دارد باید همان را حیض قرار دهد و اگر بیشتر از ایام عادت او باشد از آخر آن کم می‌کند و اگر کمتر از ایام عادت اوست، باید آن روزها را با چند روز بعد از آن که روی هم رفته به اندازه عادتش شود، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

#### ۴ - مضطربه

مسألة ۴۷۴ - «مضطربه» یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد، حیض محسوب می‌شود و اگر همه‌اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند (اگر عادت همه یا اکثریت قاطع آنها یکسان باشد) و هرگاه عادت آنها مختلف باشد احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

#### ۵ - مبتدئه

مسألة ۴۷۵ - «مبتدئه» یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند و همه‌اش یک جور باشد باید عادت خویشان خود را به طوری که در مسأله قبل گفته شد، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

مسألة ۴۷۶ - اگر «مبتدئه» بیشتر از ده روز خون ببیند که چند روز آن نشانه حیض دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد آن خون حیض و بقیه استحاضه است و اگر کمتر از سه روز باشد باید آنچه را نشانه حیض دارد بگیرد و باقیمانده را به عادت خویشاوندان خود مراجعه کند، همچنین اگر آنچه نشانه حیض دارد

بیش از ده روز باشد به تعداد عادت خویشاوند خود حیض قرار می‌دهد و بقیه استحاضه است.

#### ۶ - ناسیه

مسألة ۴۷۷ - «ناسیه» یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهد (به شرط اینکه کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد) و اگر بیشتر باشد، یا همه روزها را یک جور دیده، احتیاط واجب آن است که هفت روز اول را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

### مسائل متفرقه حیض

مسألة ۴۷۸ - «مبتدئه» و «مضطربه» و «ناسیه» و زنی که عادت حدیده دارد، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض داشته باشد، باید فوراً عبادت را ترک کند و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا کند، ولی اگر نشانه‌های حیض را نداشته باشد بر طبق حکم مستحاضه عمل می‌کند تا ثابت شود که خون حیض است، ولی زنی که عادت «وقتی» یا «عدویه» دارد به محض دیدن خون در ایام عادت، عبادت را ترک می‌کند.

مسألة ۴۷۹ - زنی که دارای عادت است (خواه وقتی و عدویه باشد، یا فقط عادت وقتی یا عادت عدویه) هرگاه دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود، خونی ببیند عادتش برمی‌گردد به آنچه در آن دو ماه دیده است.

مسألة ۴۸۰ - زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند اگر در یک ماه دو بار خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده کمتر از ده روز نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

مسألة ۴۸۱ - هرگاه سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را دارد و بعد ده روز یا بیشتر خونی را ببیند که نشانه‌های استحاضه را دارد و مجدداً خونی را ببیند که نشانه حیض را دارد، باید تمام خونهایی را که نشانه حیض داشته است حیض قرار دهید.

مسألة ۴۸۲ - هرگاه زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد، اگر چه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند.

مسألة ۴۸۳ - هرگاه زن پیش از ده روز پاک شود ولی احتمال می‌دهد که در باطن خون است باید به وسیله قدری پنبه خود را امتحان کند چنانچه پاک بود غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد و اگر پاک نبود، هر چند به خونابه آلوده باشد باید مطابق احکامی که سابقاً درباره حائض گفته شد عمل نماید.

### ۳ - احکام نفاس

مسألة ۴۸۴ - از موقعی که نخستین جزء بیچه در شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند خون نفاس است و زن را در این حال «نفساء» می‌گویند، بنابراین خونی که قبل از خارج شدن طفل می‌بیند نفاس نیست.

مسألة ۴۸۵ - ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نباید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

مسألة ۴۸۶ - در خون نفاس احتیاط واجب این است که خلقت بیچه تمام باشد، بنابراین اگر خون بسته‌ای از رحم خارج شود و بداند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد باید میان اعمال زنی که از خون پاک است و کارهایی را که حائض ترک می‌کند جمع نماید.

مسألة ۴۸۷ - هرگاه شک کند چیزی از او ساقط شده یا نه، یا چیزی که ساقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، خونی که از او خارج می‌شود خون نفاس نیست، و لازم نیست جستجو کند.

مسألة ۴۸۸ - تمام کارهایی که بر حائض حرام است بر «نفساء» نیز حرام است و آنچه بر حائض واجب، یا مستحب، یا مکروه می‌باشد، برای او نیز همین حکم را دارد.

مسألة ۴۸۹ - نزدیکی کردن با زن در حال «نفاس» حرام است و اگر شوهر با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است مطابق دستوری که در حائض گفته شد کفاره دهد، طلاق او نیز در این حال باطل است.

مسألة ۴۹۰ - هنگامی که زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادتهای خود را انجام دهد و هرگاه قبل از گذشتن ده روز از ولادت، دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که

خون دیده روی هم رفته ده روز یا کمتر از ده روز است، تمام آن نفاس می باشد و روزهایی که در وسط پاک بوده، عبادتش صحیح است.

مسألة ۴۹۱ - هرگاه زن ظاهراً از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون وجود دارد، باید با کمی بنبه خود را امتحان کند و اگر پاک بود غسل کند و عبادت‌های خود را انجام دهد.

مسألة ۴۹۲ - هرگاه خون نفاس از ده روز بگذرد چنانچه در حیض، عادت عددیه دارد به اندازه آن نفاس است و بقیه استحاضه و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس است و بقیه استحاضه.

مسألة ۴۹۳ - زنی که عادت او در حیض کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن تا روز دهم بنابر احتیاط واجب ترک عبادت کند، اگر خون از ده روز گذشته فقط به اندازه روزهای عادتش نفاس است و بقیه استحاضه و عباداتی را که در این چند روز ترک کرده، باید قضا کند.

مسألة ۴۹۴ - بسیاری از زنان بعد از وضع حمل یا یک ماه یا بیشتر خون می بینند، چنین زنانی اگر در حیض عادت دارند باید به تعداد روزهای عادتشان نفاس قرار دهند و بعد از آن تا ده روز حکم استحاضه دارد، بعد از گذشتن ده روز اگر همزمان با ایام عادت حیضش باشد باید مطابق احکام حائض عمل کند (خواه نشانه‌های خون حیضش را داشته باشد یا نه) و اگر همزمان با ایام عادتش نباشد حکم استحاضه دارد، مگر اینکه خون دارای نشانه‌های حیض باشد.

مسألة ۴۹۵ - زنانی که تا یک ماه یا بیشتر بعد از وضع حمل خون می بینند، اگر عادت ماهیانه ندارند ده روز اول نفاس است و ده روز دوم استحاضه و بعد از آن اگر نشانه‌های حیض را داشته باشند، حیض و گرنه آن هم استحاضه است.

## ۵ - غسل مس میت

مسألة ۴۹۶ - هرگاه کسی بدن انسان مرده‌ای را بعد از سرد شدن و قبل از غسل، مس کند (یعنی جایی از بدن او را با میت تماس پیدا کند) باید غسل مس میت نماید، خواه با اختیار

باشد یا بی اختیار حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد غسل واجب است.

مسألة ۴۹۷ - مس بدن مرده‌ای که تمام آن سرد نشده موجب غسل نیست، هر چند محل مس سرد شده باشد، همچنین مس بدن میت بعد از تمام شدن غسل‌های سه گانه او غسل ندارد.

مسألة ۴۹۸ - هرگاه موی خود را به بدن میت بزند، یا دست به موی میت برساند، احتیاط واجب آن است که غسل کند.

مسألة ۴۹۹ - اگر کسی بچه سقط شده‌ای را که چهار ماه او تمام شده مس کند، غسل بر او واجب است و اگر کمتر از چهار ماه تمام باشد احتیاط مستحب غسل است.

مسألة ۵۰۰ - هرگاه بچه چهار ماهه‌ای - یا بیشتر - مرده به دنیا بیاید مادر او بنا بر احتیاط واجب باید غسل مس میت کند.

مسألة ۵۰۱ - هرگاه بچه‌ای بعد از مردن مادر به دنیا بیاید، احتیاط واجب آن است که بعد از بلوغ، غسل مس میت کند.

مسألة ۵۰۲ - بچه نابالغ یا دیوانه هرگاه مس میت کند بعد از بلوغ یا عاقل شدن غسل بر او واجب می‌شود و اگر کودک ممیز غسل کند، غسل او صحیح است.

مسألة ۵۰۳ - هرگاه از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند قطعه‌ای که دارای استخوان است جدا شود (مثل یک دست و یا حتی یک انگشت) هر کس آن را مس نماید، باید غسل مس میت کند، اما اگر استخوان نداشته باشد غسل واجب نیست، همچنین برای مس استخوان تنها یا دندان که از مرده یا زنده جدا شده غسل لازم نیست.

مسألة ۵۰۴ - غسل مس میت مثل غسل جنابت است و کفایت از وضو نیز می‌کند، هر چند احتیاط مستحب آن است که وضو بگیرد.

مسألة ۵۰۵ - اگر چند میت را مس کند، یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل برای همه کافی است.

مسألة ۵۰۶ - کسی که غسل غسل میت بر او واجب شده، می‌تواند به مسجد برود و سوره‌هایی که سجده واجب دازد بخواند و یا همسر خود نزدیکی نماید ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند، یعنی کسی که غسل مس میت بر او است مانند کسی است که وضو ندارد.

## احکام اموات

### احکام «محتضر»

مسألة ۵۰۷ - «محتضر» یعنی کسی که در حال جان دادن است، بنا بر احتیاط واجب باید او را به پشت بخوابانند و پای او را به طرف قبله کنند، خواه مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک و اگر خواباندن او به این صورت کاملاً ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب، آن مقدار که ممکن است به این دستور عمل کنند و اگر ممکن نشد رو به قبله بنشانند و اگر آن هم ممکن نیست به پهلوئی راست، یا به پهلوئی چپ رو به قبله بخوابانند.

مسألة ۵۰۸ - احتیاط مستحب آن است که میت را تا وقتی که از محل مردن حرکت نداده‌اند رو به قبله باشد.

مسألة ۵۰۹ - رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمانی واجب است و اجازه گرفتن از ولیش لازم نیست.

مسألة ۵۱۰ - مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام و سایر عقاید اسلام را به کسی که در حال احتضار است طوری تلقین کنند که بفهمد و مستحب است آن را تا وقت مرگ تکرار کنند.

مسألة ۵۱۱ - مستحب است این دعا را به محتضر تلقین کنند به طوری که بفهمد: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَبِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ الْفُجْرَ مِنْ نِسِيَّتِي بَيْنَ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يُكْبَلُ النَّسِيرَ وَ يَغْفِرُ عَنِ الْكَبِيرِ الْفُجْرَ مِنْ نِسِيَّتِي وَ اغْفِرْ عَنِّي الْكَبِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ قَبْرِي وَ رَحِيمِي وَ بَهْتَرِ اسْتِ كِهْ خُودِش نِيْزِ بَخُوانْد.**

مسألة ۵۱۲ - مستحب است کسی که سخت جان می‌دهد او را به محل نمازش ببرند.

مسألة ۵۱۳ - شایسته است که برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره مبارکه «یس» و «صافات» و «احزاب» و «آیه الکرسی» و هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

مسألة ۵۱۴ - تنها گذاشتن محتضر یا گذاشتن چیزی سنگین روی شکم او و حضور جنب و خائض نزد او همچون گریه کردن و حرف زدن و تنه گذاشتن زنها نزد او را از مکروهات شمرده‌اند.